



۱۰ آبان ۱۳۹۶

پیشنهاد

### نشست «مطالعات بافت و معماری تاریخی بندر کنگ»

نشست «مطالعات بافت و معماری تاریخی بندر کنگ» با حضور شیوا آراسته و سیامک پناهی، امروز ساعت ۱۵ در تالار شهید مطهری دانشگاه تربیت مدرس واقع در بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر (گیشا) برگزار می‌شود.

### افتتاح نمایشگاه آثار باستانی از کره جنوبی

نمایشگاه «سیلا و پارس: خاطره مشترک» با بیش از ۱۴۰ شی تاریخی و نفیس از کره جنوبی، امروز ساعت ۱۶ در موزه ملی ایران واقع در خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سسی تیر به نمایش درمی آید که تا ۲۴ آذر از ساعت ۹ تا ۱۷ ادامه خواهد داشت.

### نشست «جغرافیای مفهومی عرفان و تجارب عرفانی»

نشست «جغرافیای مفهومی عرفان و تجارب عرفانی» باحضور سیدعبدالحمید ضیایی، امروز ساعت ۱۴ در انجمن جامعه شناسی ایران واقع در بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر (گیشا)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

خبر

### نمایشگاه هنرمندایرانی آلمانی در گالری آبانبار

ایسن روزها گالری آب انبار میزبان نمایشگاه هنرمندبین‌المللی ایرانی-آلمانی، تیموناصری است. «من هزار تویی ترک خورده‌دیدم» عنوان این نمایشگاه‌است که نخستین نمایش آثار این هنرمند در ایران محسوب می‌شود. آثار او که ترکیبی از میراث اسلامی و غربی است، به‌همان اندازه که متأثر از خاطراتی خاص و ازجاعت مذهبی است، از الگوهای جهانی رسم‌شده توسط رایجیات الهام گرفته‌است. ناصری یکی از برندگان جایزه هنری ابرج ۲۰۱۱ بوده و در سال ۲۰۰۶ جایزه هنری سارفرتگاس را دریافت کرد.آب انبار از ۲۱ مهرماه مجموعه‌ای متنوع و جالب‌توجه‌از مجسمه‌ها و طراحی‌های ناصری را در معرض نمایش گذاشته‌است.نشانی آب انبار، خیابان انقلاب، دروازه دولت، خیابان خاقتانی، کوچه روشن‌منش، پلاک دو‌است.

### قهر مهدی فخمیزاده روی آنتن زنده

مهدی فخمیزاده درحالی‌که مهمان پنج‌شنبه شب برنامه زنده «سینمادو» بود،بعد از ارتباط تلفنی با لاله اسکندری برنامه را ترک کرد. به گزارش ایسنا، این بازیگر و تهیه‌کننده که دربارهٔ بیانیه تهیه‌کنندگان پیرامون دستمزد بازیگران صحبت می‌کرد، بعد از ارتباط تلفنی با لاله اسکندری و معطلی در استودیو با‌عنوان اینکه چنین چیزی در برنامه نبوده، بعداز پخش ایتیمی بدون خداحافظی برنامه را ترک کرد. مجری برنامه هم اظهار امیدواری کرد هنرمندان صبر خود را بالا ببرند.

### «جشن دلتنگی» با بابک حمیدیان و مینا ساداتی

فیلمبرداری فیلم سینمایی «جشن دلتنگی» به کارگردانی پوریا آذربایجانی آغاز شد. فیلمبرداری «جشن دلتنگی» جمعه ۱۲ آبان‌ماه در تهران آغاز شد و ساغر قناعت، یکی از بازیگران اصلی فیلم جلوی دوربین علی‌رضا زرین‌دست رفت. این فیلم در باره رابطه واقعی آدم‌ها و گرهِ خوردن آن‌ها با فضای مجازی‌است و سازندگان فیلم تلاش دارند تا اولین نمایش فیلم در سی‌وششمین دوره جشنواره فیلم فجر باشد. بابک حمیدیان، محسن کیایی، بهنام تشکر، مینا ساداتی، پانته‌ا پناهی‌ها و ساغر قناعت بازیگران فیلم «جشن دلتنگی» هستند.

گفت و گو

گفت و گو



**گفت و گو با «امیر حسن چهل‌تن» درباره رابطه ادبیات و مطبوعات**

# واقعیتی که مدام دستکاری می‌شود

می‌گویند کسی ما را نمی‌خواند. روزنامه‌ها و کتاب‌های کاغذی را، نسلی که نسل‌شان می‌رسد به درخت و کلمه. مردم با کتاب‌ها الفتی ندارند، می‌خواهیم از ادبیات و جادوی کتاب‌ها در روزنامه‌ها بنویسیم، این سوهم کسی نیست و آب به غریال بیخودن است. اما ما از جان‌سخت‌ترین گونه‌های زنده روی زمینیم، ما روزنامه‌نگاران و نویسنده‌ها. امید چنان در ما تواناست که هنوز در این برهوت، گاه اتفاق‌های تازه‌ای جوانه می‌زند. ادبیات چیزی مثل آلودگی هوا و ترافیک و بیکاری نیست که ما بیرون‌گود بایستیم و منتظر باشیم که دولتی‌ها آستین‌ی‌برایش بالا بزنند. تبلیغات دولتی فقط به کار کتاب‌های سفارشی می‌آید و شبکه‌های مجازی هم همین‌که دلنوشته‌های ۱۴سالگی را به‌نام شاملو و صادق هدایت و… به خوردمان ندهند جای بسی شادمانی‌است. روزنامه‌نگاری هم در شکل دولتی‌اش می‌شود همان چیزی که قرار است در سازمان نظام رسانه‌ای بر سرش بیاید؛ محدودتر و بسته‌تر از آنچه هست. اینجاست که می‌شود گفت رابطه نهاد ادبیات و مطبوعات، به‌رغم همه ناملایمات و کاستی‌ها، رابطه‌ای مهم و انکار‌نشدنی‌است؛ رابطه‌ای که اگر برمیانی شناخت عمیق و قضاوت صحیح و دلسوزی‌های مشفقانه شکل بگیرد، هنوز بهترین شکل ترویج ادبیاتی‌است که به آن ادبیات واقعی و اصیل می‌گوییم. در عین حال بخشی از ادبیات اصیل به دنیای مجازی و دوراز دسترس مراکز رسمی منتقل شده‌است. این فضا باعث می‌شود تا آنها که امکان چاپ ندارند رو به آن شبکه آورند. به‌نظر می‌آید دنیای سانسور و حذف گذشته‌است و نمی‌توان چندان از سانسور نالید. با امیر حسن چهل‌تن درباره همین ارتباط حرف می‌زنم. ارتباطی که باید آرام آرام مثل ققنوس از خاکستر خود دوباره زاده شود و اوج بگیرد، و گرنه در قاب این آسمان جز ابر‌های بی‌باران چیزی به تماشا در نمی‌آید.

**روزنامه‌ها نوشته می‌شود تا چه اندازه حرف‌های و استاندارداست و آیا توانسته‌اند لوئادک، تغییری در وضعیت ادبیات به وجود بیاورد؟**

متأسفانه نقد ادبی ما در موضعی بسیار ضعیف‌تر از خود ادبیات قرار دارد و باز هم یکی از دلایل آن را وجود فضای بسته می‌دانم. از سال‌ها پیش سیاست فرهنگی برای اساس شکل گرفته که یک جریان موازی با جریان اصیل ادبی‌سی به وجود بیاید. درواقع می‌خواهند آلترناتیوسازی کنند و هنوز هم این کوشش ادامه دارد که جریانی آیدنولوژیک در ادبیات ساخته شود که هم مورد اقبال عموم قرار بگیرد و هم کارشناسان ادبی. خوب این یک پروژه شکست خورده‌است. اما آنها بعدها توانستند یک آلترناتیو در حوزه غیردولتی به وجود بیاورند. شما اگر به ادبیاتی که در راتحریک نمی‌کنند ادبیاتی که در یک فضای بسته در یک دهه اخیر تولید شده نگاه کنید، می‌بینید که مسائل اجتماعی به صورت باید و شاید در آنها مطرح نمی‌شود. من اسمش را گذاشته‌ام حذف عنصر تاریخ. انگار ادبیات مایی‌شد حس است و چیزی آن نوشتم و درخواست کردم که به پرسش‌هایم پاسخ‌دهد و راتحریک نمی‌کنند ادبیاتی که در یک فضای بسته در جریان‌است، فضایی فاقد پنجره. فشارهای چندسویه و تشویق آلترناتیو غیر اجتماعی در ادبیات همه دست به‌دست‌ما داده و تیراز کتاب‌های ما را به ۳۰۰ نسخه

**در همین محدوده کوچک و با همین بضاعت ادک، آنچه به عنوان نقد ادبی در صفحات**

آن شور و فتور خواهید، صفحات ادبی به‌جای اینکه به مسائل جدی‌تر ادبیات بپردازند، مروج نوعی آماتوریس‌م ادبی شدند. در عین حال فکر می‌کنم شاید روزنامه جای مناسبی برای مطالب جدی ادبی نباشد. جای اینگونه مطالب در مجلات ادبی‌است که قبلا وجود داشت، از جمله آدینه، دنیای سخن، گ‌ردون و… اما حالا مجله ادبی به آن شکل وجود ندارد. به هر حال در هر دوره‌ای ژورنالیسم می‌تواند برای ادبیات و معرفی کتاب‌ها بسیار مفید واقع شود گرچه امروز ما وارد وضعیت متفاوتی شده‌ایم و این کار کرد بسیار ضعیف شده‌است.

**شما در مورد آماتوریس‌م ادبی صحبت کردید، در حالی که بسیاری عقیده دارند آنچه در صفحات ادبی بر خسی روزنامه‌ها منتشر می‌شود چنان بیچیده و مغلق است که تنها مخاطبان خاص قادر به فهم وار تباط و برقرار کردن با آن هستند. یعنی به هیچ کار مخاطب عام نمی‌آید و به تبع آن نمی‌تواند پیوندی میان این مخاطب و ادبیات برقرار کنند.**

هر مطلبی برای همه‌کس نیست. نه فقط در ادبیات، بلکه در سایر حوزه‌ها هم همین‌طور است. شما نمی‌توانید فیلمی بسازید که همه مردم مخاطب آن باشند. صفحات ادبی به‌جای اینکه به مسائل جدی‌تر ادبیات بپردازند، مروج نوعی آماتوریس‌م ادبی شدند. در عین حال فکر می‌کنم شاید روزنامه جای مناسبی برای مطالب جدی ادبی نباشد. جای اینگونه مطالب در مجلات ادبی‌است که قبلا وجود داشت، از جمله آدینه، دنیای سخن، گ‌ردون و… اما حالا مجله ادبی به آن شکل وجود ندارد. به هر حال در هر دوره‌ای ژورنالیسم می‌تواند برای ادبیات و معرفی کتاب‌ها بسیار مفید واقع شود گرچه امروز ما وارد وضعیت متفاوتی شده‌ایم و این کار کرد بسیار ضعیف شده‌است.

**شما در مورد آماتوریس‌م ادبی صحبت کردید، در حالی که بسیاری عقیده دارند آنچه در صفحات ادبی بر خسی روزنامه‌ها منتشر می‌شود چنان بیچیده و مغلق است که تنها مخاطبان خاص قادر به فهم وار تباط و برقرار کردن با آن هستند. یعنی به هیچ کار مخاطب عام نمی‌آید و به تبع آن نمی‌تواند پیوندی میان این مخاطب و ادبیات برقرار کنند.**

هر مطلبی برای همه‌کس نیست. نه فقط در ادبیات، بلکه در سایر حوزه‌ها هم همین‌طور است. شما نمی‌توانید فیلمی بسازید که همه مردم مخاطب

• آرزو شهبازی •

روزنامه نگار

**از دوران رونق مطبوعات یعنی دهه ۷۰ تا به امروز صفحات ادبی در همه روزنامه‌ها وجود داشته‌اند و هنوز هم به حیات‌شان ادامه می‌دهند. شما فکر می‌کنید کار کرد این صفحه‌ها طی این سال‌ها چه اندازه تغییر کرده و آیا هنوز قدرت تاثیر گذاری بر جریان‌های ادبی را دارند؟**

واقعیت این‌است که پیش از دوم خرداد نویسندگان مستقل هیچ جایگاهی در روزنامه‌ها نداشتند، البته منهای یکی، دو سال اول انقلاب که فضای بازتری وجود داشت. حضور ما در روزنامه‌های رسمی پیش از دوم خرداد اغلب به این سبب بود که مورد توهین و تحقیرمان قرار دهند. بعداز دوم خرداد وضعیت فرق کرد. اولین بار که روزنامه همشهری تصویر مرا منتشر کرد، وقتی به خریدرفتم اغلب کاسیان محله مرا می‌شناختند. این خاطره مربوط به دورانی‌است که روزنامه همشهری پر تیراژ و تاثیر گذار بود. بعد از آن هم جامعه و توس و نشاط و… شکل گرفتند و روزنامه‌ها به‌سرآغ نویسندگان مستقل آمدند. این اتفاق تازه‌ای برای ادبیات بود، اما بعد از چند سال که

ادبیات جهان

## معرفی برندگان

## «گاورنر جنرال» ۲۰۱۷



اسامی برندگان بخش‌های مختلف جایزه «گاورنر جنرال» که از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین جایزه‌های ادبی کاناداست، اعلام شد. «گلوب‌اند‌میل» نوشت: جایزه بخش ادبیات داستانی انگلیسی‌زبان «گاورنر جنرال» این‌دوره به «جوتل توماس هینز» بازیگر و نویسنده تعلق گرفت. هیات داوران این جایزه، رمان «عضی شب‌هاهمان در تختخواب سوزانده می‌شویم» را «خندهدار اما آزاردهنده» توصیف کرد و آن را «فراموش‌نشدنی و غم‌انگیز» خواند. «هینز» بازیگر، کارگردان و نمایشنامه‌نویس مطرح کانادایی‌است که پیش‌تر هم رمان‌هایی منتشر کرده و آثارش به فیلم سینمایی تبدیل شده‌اند. کتاب برنده جایزه او، به فهرست نامزدهای جایزه «گیلر» کانادا هم راه پیدا کرده‌است.

جایزه ۴۵۰ هزار دلاری «گاورنر جنرال» سالانه در هفت بخش، آثار ادبی به دوزبان انگلیسی و فرانسوی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به هر یک از برندگان مبلغی ۲۵ هزار دلاری و به نامزدهای نهایی

روزنه

روزنه

## کناره‌گیری داوری اردکانی

## از شورای سیاستگذاری جایزه مصطفی (ص)

استاد خطاب به دکتر ستاری نوشته شده، آورده‌است: «از ابتدا که قرار شد جایزه‌ای به نام مبارک حضرت مصطفی (ص) به دانشمندان ممتاز جهان اسلام اعطا شود، پرسش‌هایی در مورد معنی تعلق به جهان اسلام و اینکه جایزه را به کدام گروه از دانشمندان و دانشمندان کدام رشته‌ها باید داد و چرا جایزه به چهار رشته فرعی مهندسی اختصاص یافته‌است، مطرح بود ولی به هر حال آیین‌نامه‌ای که تدوین شده بود، باید اجرا شود.

امسال که جلسه شورای سیاستگذاری تشکیل شد، می‌خواستیم نظرم را در برباره نقایص آیین‌نامه بگویم، اما چون اکثریت اعضا و مؤثرترین‌شان غایب بودند و جلسه اکثریت نداشت، طرح آن را مناسب ندانستم. چند روز بعد نامه‌ای به معاونت علمی ریاست‌جمهوری نوشتم و درخواست کردم که به پرسش‌هایم پاسخ‌دهند و اگر نظر مرا موجه می‌دانند در آیین‌نامه تجدیدنظر شود. دبیر‌خانه جایزه بعد از دو ماه و نیم پاسخی صرفا اداری داد. این پاسخ هر چند غیرمنتظره نبود، مرا بر آن داشت که قضیه را دنبال نکنم و دیگر کاری به کار جایزه‌ای که نام شریفی دارد اما ضوابط گزینش برندگان و ترتیب اعطای آن بسان نام شریف تناسب و مناسبت ندارد، نداشته باشم.»

گفتنی‌است این استعفا روز گذشته باز تاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشت و واکنش‌هایی را برانگیخت.



داوری اردکانی با انتقاد از ضوابط گزینش و ترتیب اعطای جایزه مصطفی (ص) از شورای سیاستگذاری این جایزه کناره‌گیری کرد.

رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی با انتقاد از نحوه پاس‌خ‌گویی به نامه وی خطاب به سورنا ستاری، رئیس شورای سیاستگذاری جایزه مصطفی (ص) که طی آن با برشمردن برخی اشکالات آیین‌نامه اعطای جایزه، خواستار تجدیدنظر در آن شده بود، اعلام کرد: «دیگر کاری به کار جایزه‌ای که نام شریفی دارد اما ضوابط گزینش برندگان و ترتیب اعطای آن با این نام شریف تناسب و مناسبت ندارد، ندارم.»

دکتر داوری اردکانی در یادداشتی در حاشیه پاسخ مهدی صفاری‌نیا، دبیر شورای سیاستگذاری جایزه مصطفی (ص) و رئیس پارک فناوری پردیس که دو ماه و نیم پس از نامه